**چشم اندازی به سیره سیاسی حضرت فاطمه (س)**

نويسنده: اسماعيل نساجى زواره

بررسی سیره معصومین (ع) در راستای حفظ ارزش‌های اصیل اسلامی از مواردی است که علاوه بر هدایت و نجات انسان‌ها، نقش قابل تأمّلی را در حفظ آرمان‌های جامعه مسلمین ایفا می‌کند.
از این رو آن بزرگواران در طول حیات خویش حضور در صحنه را مسؤولیتی مهم از جانب خدای سبحان می‌دانستند.
با غروب غمبار خورشید فروزان رسالت در 28 صفر سال دهم هجری، سیاهی غصب حق و غبار غربت اندیشه‌های خردورزان را آزار می‌داد به گونه‌ای که کم‌تر کسی یارای حضور در صحنه اعتقادی و دفاع در عرصه سیاسی را در خود می‌دید، امّا در این میان بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) برتر از هزاران مرد قدرتمند، بیرق باورهای تابناک آسمانی و علم پیکار با سران ظلم و غصب و غارت را بر دوش گذاشت تا هدایت نبوی و سعادت علوی را پاس بدارد و به گوش آیندگان برساند. زهرای اطهر (س) در برابر جریاناتی که بعد از رحلت رسول مکرّم اسلام به وجود آمد، ساکت ننشست و دست به مبارزه سیاسی زد و با سخنرانی‌های افشاگرانه به بیان ماهیّت غاصبان خلافت و مصیبت‌های وارده توسط آن‌ها پرداخت.
گرچه دوران حیات ریحانه محمدی پس از ارتحال پیامبر اکرم (ص) بسیار کوتاه بود، امّا خط مشی سیاسی آن حضرت در طول حیات نشان می‌دهد که موضع‌گیری اش معقول‌ترین و پسندیده‌ترین روش ممکن بود و هرگونه حرکت و موضع‌گیری دیگری غیر از آن ممکن بود ضربات جبران ناپذیری بر پیکر اسلام وارد سازد.
در این نوشتار به خطوط برجسته حرکت و موضع‌گیری سیاسی صدّیقه کبری (س) به عنوان شاخصه‌های آموزنده اشاره می‌شود. امید است که مورد توجه و عنایت پویندگان راه رسالت و ولایت قرار گیرد.

**دفاع از حریم رسالت**

در اوایل بعثت، حفظ جان پیامبر (ص) و دفاع و حمایت از آن حضرت از مهم‌ترین وظایف کسانی بود که علی رغم مشکلات و تنگناهای موجود در جامعه نوپای اسلام، به حقّانیت پیامبر (ص) و آیین او ایمان آورده بودند. تعداد انگشت شماری نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی، سیاسی و دیگر توانایی‌های خود، بیش‌تر به این امر می‌پرداختند که از جمله آن‌ها حضرت زهرا (س) بود.
رسول خدا (ص) از هنگامی که به رسالت مبعوث شدند، تا زمانی که به مدینه هجرت کردند در مکه مورد آزار و اذیت فراوان قرار گرفتند.
بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم (ص) علاوه بر تشویق و تحریک مردم و کودکان جهت آزار و اذیت به پیامبر (ص)، خود نیز به طور مستقیم از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نداشتند.
گاهی بر سر آن حضرت خاک می‌ریختند و زمانی سنگ بارانش می‌کردند. در این دوران مردانی مانند حمزه سیدالشهدا به دفاع از پیامبر (ص) برمی خاستند، امّا تاریخ اسلام نام بانویی بزرگوار راـ که در آن وقت 5تا8 سال بیش‌تر نداشت ـ در کنار مدافعان پیامبر (ص) ضبط و ثبت کرده است.
او علاوه بر این که بعد از رحلت مادر بزرگوارش حضرت خدیجه (س) پرستاری پدر را بر عهده داشت، بیرون از منزل نیز همیشه مراقب پدر بود.
نقل می‌شود که مشرکان قریش در حجر اسماعیل گرد آمده بودند و می‌گفتند: چون محمد (ص) عبور کند، هر یک از ما به او ضربه‌ای خواهیم زد و چون فاطمه (س) این را شنید، پیش مادر رفت و سپس این مطلب را به اطلاع پیامبر (ص) رساند. (1)
آن بانوی بزرگوار در مواردی علاوه بر اطلاع و پیش‌گیری از اقدام آنان، خود مستقیماً به صحنه می‌رفت و به حمایت و دفاع از پیامبر عزیز می‌پرداخت.
«عبداللّه بن مسعود» می‌گوید: با رسول خدا (ص) در کنار کعبه بودیم، حضرت در سایه خانه خدا مشغول نماز بود، گروهی از قریش از جمله ابوجهل در گوشه‌ای از مکّه چند شتر نحر کرده بودند، شکنبه آن‌ها را آوردند و بر پشت پیامبر گذاشتند، فاطمه (س) آمد و آن‌ها را از پشت پدرش برداشت. (2)

**دفاع از حریم ولایت**

زهرای مرضیّه (س) در اثبات حق و مقابله با انحراف در رهبری امت اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکرد و این امر را تکلیف خود می‌دانست. گاهی شب‌ها همراه علی (ع) به در خانه مهاجرین و انصار می‌رفت و حمایت از ولایت و وصیّت رسول خدا (ص) را در یادها زنده می‌کرد و آنان را به دفاع از حق همسرش در مسأله خلافت و حق خودش فرا می‌خواند؛اگر چه چیزی جز کلام سرد و بی مهری نمی‌شنید!
فاطمه (س) عنایت ویژه‌ای به مسأله دفاع از امامت و ولایت امام علی (ع) داشت و به عنوان یک وظیفه اجتماعی در قالب‌های مختلف روی آن اهتمام و جدیّت می‌ورزید.
در قضیّه « فدک» آن چیزی که جوهر اصلی کارها و پی‌گیری‌های دخت گرامی پیامبر بود، همان دفاع از حق ولایت حضرت امیر مؤمنان علی (ع) بود.
صدّیقه طاهره (س) حرکت و هدایت انسان‌ها را بدون امام، سکون و ساکت می‌دانست و زمامداری زیان آلود و باطل نااهلان را باعث دور ماندن مردم از مسیر «صراط مستقیم» می‌دانست. بدین جهت دفاع از مقام امامت را سرلوحه مسؤولیت‌های خویش قرار داده بود و با تمام توان به ارائه رهنمودهای شایسته و مبارزه با زرمداران و زور محوران می‌پرداخت. او کتاب فضائل علی (ع) را در پنج محور بنیادین گشود تا فردا و فرداها همگان با مطالعه گفتار گران بار وی پی به حقایق هستی برند و راه را از بی راه‌ها تشخیص دهند.
در فصل نخست، علی (ع) را در برابر خداوند عبدی مخلص معرفی می‌کرد که بسیاری از شب‌ها از شوق عبادت و ترس فراوان بر روی خاک نخلستان مدهوش می‌شد. (3)
در فصل دوم، او را نسبت به رسول خدا می‌سنجید و می‌فرمود: علی (ع) بهترین جانشین پیامبر (ص) و دوست بی نظیر رسول خداست.
در فصل سوم، سخن از امامت و ولایت امیرمؤمنان (ع) نسبت به امت اسلامی به میان می‌آورد و او را امامی ربّانی و الهی معرفی می‌کند که فقط و فقط او لیاقت رهبری امت اسلام را خواهد داشت ؛ بنابراین علی (ع) را نخستین مسلمان و دین باور می‌دانست، از این رو وظیفه‌ای سنگین و خطیر برای خویش نسبت به امام (ع) برمی‌شمرد و آن توصیف صفات و برکات بی پایان همسرش تا واپسین لحظات زندگی بود. (4)
در فصل چهارم، هدایت و رهبری مولای متقیان (ع) را چنان تأثیر گذار می‌دید که برای تحقق امامت و خلافت آن بزرگوار خود را آماده فداکاری نمود. (5)
در فصل پنجم، مقام بلند شیعیان علی (ع) را بیان می‌کند و با بصیرت و اعتقاد قلبی، سخن پدر را بازگو می‌نماید و علی (ع) وشیعیان او را اهل بهشت می‌داند.
آری! زهرای مرضیه (س) مقام و موقعیت امام علی (ع) را خوب شناخته بود و از توانایی‌های ذاتی و خدادادی و شایستگی‌های ایشان نیز مطلع بود. دیدگاه‌های پیامبر اکرم (ص) را نسبت به امام (ع) مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت حضرت علی (ع) می‌دانست و جایگزین دیگری را با وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی‌دید. از این رو برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام (ع) و مقام امامت برنداشت.
جناح پیروز سقیفه پس از بیعت گرفتن از برخی اصحاب به سرعت سراغ علی (ع) آمدند تا در اسرع وقت از آن بزرگوار بیعت بگیرند و سند مشروعیت حکومت خود را به امضا برسانند.
آن‌ها می‌دانستند که علی (ع) به خاطر حفظ اسلام و پیش‌گیری از تفرقه و اختلاف به جنگ متوسل نخواهد شد و بیعت او باب مخالفت سایر بنی هاشم و حامیان اهل بیت (ع) را مسدود خواهد کرد و در نتیجه پایه خلافتشان مستحکم خواهد شد.
از این رو آن بزرگوار را تحت فشار سختی قرار دادند و زشت‌ترین برخوردها را در نخستین روزهای رحلت پیامبر (ص) با آن حضرت (ع) کردند و تا سرحد کشتنش پیش رفتند. (6)
آنان درصدد بودند به هر طریق ممکن ولو به قیمت کشتن، مولای متّقیان را به پذیرش حاکمیت خود وادار کنند، امّا با مقاومت شدید حضرت زهرا (س) مواجه شدند؛مبارزه حضرت فاطمه (س) کار خلفا را بسیار دشوار ساخت، زیرا آنان می‌دانستند اگر نسبت به دختر پیامبر (ص) جسارت کنند، پایه حکومتشان سست خواهد شد. طبق نقل مسعودی تا صدیقه طاهره (س) در قید حیات بودند، آن‌ها نتوانستند از علی (ع) بیعت بگیرند، بنی هاشم نیز پس از شهادت زهرای اطهر (س) بیعت کردند. (7)
روایات و اسناد تاریخی مربوط به مقاومت‌های حضرت زهرا (س) فراوان است. کوثر آفرینش با حضور فعّال خود در خط مقدم مبارزه همچون سپر محکمی از جان علی (ع) و حامیانش محافظت کرد و فضای مناسبی را برای بنی هاشم فراهم نمود تا بیعت را به تأخیر بیندازند. البته شیوه حضرت فاطمه (س) برای اعلان عدم مشروعیّت کارهای آنان تنها در مبارزه علنی روزهای نخست رحلت پیامبر (ص) خلاصه نمی‌شد.
آن حضرت (س) تا آخرین روز رحلتش همواره با قطع رابطه و ابراز ناراحتی و اندوه، افکار عمومی را متوجه مسأله سقیفه و غصب خلافت می‌کرد و نمی‌گذاشت این مهم به فراموشی سپرده شود. زنان مهاجرین و انصار برای عذر خواهی به عیادت آن بزرگوار آمدند، ولی حضرت فاطمه (س) نه تنها از آنان تشکر نکرد، بلکه در جواب احوال پرسی آنان فرمود: «آگاه باشید این حکومتی که پدید آوردند، تازه آبستن شده است، پس صبر کنید تا ببینید چه نتیجه‌ای به بار آورد. آن گاه از آن به جای شیر خون تازه و سم کشنده بدوشید! این جاست که کسانی که به راه باطل رفته‌اند، زیان کار می‌شوند و آیندگان عاقبت آن چه را که گذشتگان تأسیس کردند، خواهند دید.
از بابت دنیای خود خوش باشید و قلباً برای فتنه هایی که خواهد آمد، مطمئن باشید و بشارت باد بر شما به شمشیرهای برنده‌ای که به دنبال آن می‌آید و قدرت متجاوزی که ظلم و تعدّی را روا می‌دارد و جمعیت شما را درو می‌کند (همه را قتل عام می‌کند) پس حسرت و اندوه با شما باد! و به کدامین سوی روید؟...» (8)
در آخرین روزهای زندگی حضرت وقتی آن دو تقاضای ملاقات کردند، ابتدا حضرت فاطمه (س) نپذیرفت و زمانی که امیرمؤمنان از آن حضرت تقاضا کرد به احترام شوهر بزرگوارش پذیرفت، ولی چنان برخورد سردی با آن‌ها کرد که گزارش آن دیدار به یک سند تاریخی گویا برای اثبات خشم زهرای اطهر (س) نسبت به آنان تبدیل گردید.

**اعتراض به سکوت مردم**

دخت گرامی رسول خدا (ص) می‌دید که با خروج رهبری از محور خود چه بسا ممکن است امور مهم دیگر نیز دچار این آفت شود و هرگونه ساکت ماندن نوعی مهر تأیید برکارهای ناروا باشد و چه بسا حتی برای همیشه کاری قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدّعیان خلافت تلقی گردد. بدین جهت آن حضرت در مواردی مخالفت خود را با اعتراض و انتقاد و شکوه به اثبات رساند.
فرازهایی از خطبه بانوی نمونه اسلام در مسجد مدینه گواهی گویا و شاهد زنده بر این مطلب است. زهرای اطهر (س) با دلی پرخون از حوادث ناگوار پیش آمده، با زبان شکوه و اعتراض خطاب به انصار فرمودند: «یا معشر النّقیبة و اعضاد الملّة و حصنة الاسلام! ما هذه الغمیزةُ فی حقّی و السّنة عن ظلامتی؟؛ (9) ای انجمن بزرگان! ای بازوان ملّت! ای حافظان اسلام! این غفلت و سستی در مورد حق من چیست؟ و چرا در برابر دادخواهی من سهل انگاری می‌کنید؟»

**افشای فتنه‌ها**

زهرای مرضیه (س) حکومت علی (ع) را همان حکومت پیامبر (ص) و استمرار نبوت و رسالت می‌دانست. خانه امیرالمؤمنین (ع) را مهبط وحی و شخصیت آن حضرت را شخصیتی دانا به امور دنیا و آخرت معرفی می‌نمود و کنار زدن آن بزرگوار را خسارتی بزرگ و روشن می‌شمرد. (10) از اقدام‌های روشنگرانه آن حضرت (س) افشای ماهیت سیاست ستیز با علی (ع) بود. صدیقه طاهره (س) معتقد بود کسانی که علی (ع) را از صحنه بیرون کرده‌اند، از شدّت عمل او در برابر مخالفان دین و قاطعیتش در مقابل دشمنان اسلام و افزون طلبان بیم دارند؛ آنان می‌دانند علی (ع) در اجرای عدالت ذره‌ای کوتاهی نخواهد کرد و در راه تحقق احکام الهی از مرگ نمی‌هراسد، از این رو او را کنار زدند تا به آسانی به اهداف شخصی و خواسته‌های نفسانی اشان دست یابند، شاید آن روزها بسیاری از اصحاب و تابعین و کسانی که تازه مسلمان شده بودند نمی‌توانستند باور کنند دست هایی که علی (ع) را کنار زده‌اند از سر هواپرستی چنین ظلمی را مرتکب شده باشند، چون آن‌ها نیز ظاهراً سال‌ها در رکاب نبی اکرم (ص) شمشیر زده و به اسلام گرویده بودند، به علاوه برخی از آنها جزء دانشمندان جامعه به حساب می‌آمده‌اند، لذا کسی جرأت نمی‌کرد به آنان گمان بد برده و آنها را به بی دینی و خیانت متهم نماید. بنابراین مردم دو گروه بودند: یک گروه از ریشه دشمنی و مخالفت با علی (ع) خبر نداشتند و گروه دیگر شجاعت و شهامت بیان حقایق را نداشتند، ولی حضرت زهرا (س) با کمال شجاعت ماهیت کینه توزانه آنان را افشا کرد و ریشه‌های فاسد دشمنی با مولای متقیان علی (ع) را برملا ساخت. (11)

**دوست شناسی**

آشنایی با عیار محبت و دوستی از سوی حضرت فاطمه (س) زمینه ساز نوسازی باورها و پاک سازی دل و دیده‌های می‌گردد.
در سیره آن حضرت سه ویژگی بنیادین در «محبوبیّت» می‌یابیم: نخست ارتباط خالصانه با آفریدگار، سپس نگرش عاشقانه به رسول خدا و سرانجام رسیدگی به خلق خدا.
به دیگر سخن «خودیّت» و «منیّت» و خودخواهی‌های انحصار گرانه از رواق اندیشه و عشق دختر گرامی پیامبر (ص) دور بوده و آن حضرت راهی روشن از نور صفا و صداقت و اخلاص پیش روی خویش قرار داده بود.
معیارهای راستینی که در دوستی‌های انسیّه حورا (س) به چشم می‌خورد، موجب گردید که روزی از برخی دوستی‌ها بی زاری جوید و با صراحت و شفّافیّت تمام لب به سخن گشوده و فرمود:
«انّی لا احبُّ الدّنیا؛ (12) من دنیای دنیاپرستان را دوست ندارم.»
بانویی که زندگی امروز را فنا و زندگی فردا را بقا می‌دید، به خوبی از پایداری و پویایی جلوه‌های مختلف آگاهی داشت و این نگرش خویش را برای همگان بیان فرمود تا درس‌آموزان و عبرت پذیران بهره‌ای نصیب خود سازند.
ویژگی‌های شایسته زهرای بتول (س) در گفتار و رفتار موجب گردید که رسول اکرم (ص) به عنوان برترین انسان هستی معیار دوستی با خویش رااین گونه بیان فرماید: « من احبّ فاطمة ابنتی فقد احبّنی ؛ (13) هر کس فاطمه (س)، دختر مرا دوست داشته باشد، مرا دوست داشته است.» و در صحنه‌های مختلف، دست، سینه،و سر دختر دلبند خود را می‌بوسید تا پیروان رسالت و امامت لحظه‌ای از پیروی فاطمه (س) کوتاهی نکنند و به خوبی آگاه باشند که اعمال، احساس و اندیشه زهرای عزیز مورد قبول پیامبر (ص) خواهد بود. ارزش دوستی اهل بیت (ع) صحیفه‌ای دیگر از کتاب بینش فاطمی است که به گونه‌ای گویا و پویا برای امروز و هر روز ما به ویژه نسل جدید بیان شده است.

**دشمن شناسی**

شناخت دشمن و آگاهی از معیارهای دشمنی، اندیشه‌ای روشن در فراز و فرودهای زندگی فردی و اجتماعی به انسان می‌بخشد.
صدیقه کبری (ص) با سخن آسمانی خود نخستین معیار دشمن‌شناسی را دشمنی و مخالفت با اهل بیت رسول خدا (ص) معرفی می‌کند و با صراحت بسیار می‌فرماید: «هر کس با ما دشمنی کند، با خدا ستیز نموده است و آن کسی که با ما مخالفت کند، با پروردگار رو در رو شده است و مخالف ما عذاب دردناک و مجازات شدید الهی در دنیا و آخرت بر او واجب می‌گردد.» (14)
هرگاه در آیینه سخن و سیره آن حضرت بنگریم به خوبی در می‌یابیم که ستایش دوستان و نکوهش دشمنان خط پایانی نخواهد داشت. زهرای عزیز با ارائه تدبیری خردمندانه، عرصه ستم ستیزی و میدان مبارزه با دشمن را فراتر از زمان و مکان گسترش داده بود تا نمای افراد از ارزش دوستی‌های الهی و زشتی دشمنی‌های شیطانی تا روز رستاخیز آگاهی یابند؛ از این رو در وصیتش به امیر مؤمنان (ع) فرمود: « اوصیک ان لایشهد احدٌ جنازتی من هؤلاء الذّین ظلمونی و اخذوا حقّی فانّهم عدوّی و عدوّ رسول اللّه و لا تترک ان یصلّی علیّ احد منهم و لا من اتباعهم و ادفنّی فی اللّیل اذا هدئت العیون و نامت الابصار؛ (15) تو را وصیت می‌کنم هیچ یک از آنان که به من ظلم کردند و حق مرا غصب نمودند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند، زیرا آن‌ها دشمن من و دشمن رسول خدا (ص) هستند و اجازه مده فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بخوانند و مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته باشند.»
این وصیت ضربه سهمگینی بر پیکر دشمنان ولایت وارد ساخت؛ ضربه‌ای که تا قیام قیامت استمرار خواهد داشت و سندی زنده و ماندگار بر محکومیت حکومت خلفا و غیر عادلانه بودن آن از منظر زهرای مرضیه (س) به شمار می‌آید.

**پي نوشت:**

1. دلایل النبوة، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، ج 2، ص43.
2. بحارالانوار، مجلسی، ج18، ص57.
3. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص 116.
4. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 330.
5. مناقب خوارزمی، ص67.
6. الامامة و السیاسة، ابن قتیبه دینوری، ج 1، ص 31.
7. مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ج 2، ص 308.
8. بحار الانوار، ج 43، ص160.
9. احتجاج طبرسی، ج 1، ص269.
10. مأخذ قبل، ص160.
11. ماهنامه مبلغان، شماره 31، ص 35ـ34.
12. الغدیر، علامه امینی، ج 2، ص 318.
13. بحارالانوار، ج 28، ص303.
14. مستدرک الوسایل، میرزا حسین نوری، ج 7، ص 291.
15. فرهنگ سخنان فاطمه (س) محمد دشتی، ص330.

منبع: ماهنامه پاسدار اسلام - شماره 307